

تبیین نقش هنجار‌گریزی در شعر فرخی یزدی

اعظم اکبری رکن‌آبادی*

محبوبه خراسانی**، شهرزاد نیازی***

چکیده

هنجار‌گریزی یکی از مؤثرترین روش‌های برجستگی زبان و آشنازدایی در شعر است که همواره شاعران از آن استفاده کرده‌اند. تکامل و ادبیت زبان شعر با فراروی از قاعده‌های زبان معیار و بهره‌مندی از ساخته‌ای غیرمتعارف تحقق می‌پذیرد و در اثر تکرار یک ویژگی بارز در طرز بیان شاعرانه به تشخیص و هویت سبکی نیز بدل می‌شود. یکی از انواع هنجار‌گریزی‌هایی که شاعر به مدد آن به آفرینش و خلاقیت اثر ادبی دست می‌یازد، هنجار‌گریزی دستوری است که در شعر فرخی نیز به ویژگی پر تکرار اشعار وی تبدیل شده است؛ بنابراین، آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ تبیین نقش هنجار‌گریزی در شعر فرخی به روش مطالعه متن و تحلیل محتوا با بهره‌جستن از چارچوبی کیفی - توصیفی در اشعار فرخی است. دستاورد مقاله، گویای این مهم است که اولاً برجسته‌سازی در حوزه دستوری زبان با طرز چیدمان جملات، درهم ریختن نظم جهت‌مندانه واژگان در محور هم‌نشینی و همچنین بیش‌خلاقانه‌وی در دخل و تصرف ساز و کارهای زبانی، حرکت تعالی‌گرایانه زبان شعری فرخی را نشان می‌دهد و دو دیگر اینکه در بین

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران،
akbari125@yahoo.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)،
Khorasani.m@iaun.ac.ir

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران،
Niazi-60@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴

هنجار‌گریزی‌های دستوری بررسی شده، بیشترین برجستگی‌ها در حوزه افعال روی داده است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی، هنجار‌گریزی دستوری، برجسته‌سازی، شعر مشروطه، فرخی یزدی.

۱. مقدمه

زبان و همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آن، محمل و تکیه‌گاه شاعر در مضمون‌آفرینی و خلق تصاویر نو، فضاهای تازه و اندیشه‌های جاودانه است. اگر شاعر به همه آفاق و قلمروهای زبان، چنگ بیندازد و با شعوری شاعرانه، برای باروری شعر خویش از آن‌ها بهره گیرد، بلوغ و نبوغ شعری او بیشتر آشکار می‌شود.

فرمالیست‌های روسی، شعر را «تهاجمی سازمان‌یافته بر زبان عادی» می‌دانند. فرمالیست‌ها نوآوری را ردّ زبان می‌دانند. شمیسا به نقل از شکلوفسکی می‌گوید: «هرقدر آشنایی ما با ادبیات گذشته بیشتر باشد، این نکته بیشتر بر ما روشن می‌شود که تقریباً هیچ موضوع و تصویری نیست که بدیع و بی‌سابقه باشد. عمده نوآوری و ابداع، در طرز بیان و استعمال زبان است.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۵۳) ادبیات در بستر زبان شکل می‌گیرد و در واقع «متن ادبی، مستقر در زبان است» (بارت، ۱۳۸۳: ۸۹). «شعر، نوعی کاربرد ادبی ناب زبان است.» (سلدن، ۱۳۷۲: ۸) شاعر با استفاده آگاهانه از شگردهای مبتکرانه، در مسیر مستقیم فهم، پیچشی عامدانه ایجاد می‌کند تا در نگاه مخاطب، مناظر تکراری پیشین را تازه و غریبانه نماید. «او با زدودن غبار عاداتی که پیوسته در مسیر تماشاست، پنجره تازه‌ای می‌گشاید که از منظر آن، همه چیز بدیع و بیگانه به چشم می‌آید.» (احمدی، ۱۳۷۰: ۴۸) شاعر با تمهیداتی که در به-کارگیری زبان انجام می‌دهد، موجب ایجاد درخشش و تازگی در زبان می‌شود. شاعر با به‌کارگیری برخی شگردها، زبان عادی را ویران می‌کند و قاعده‌های مرسوم را در هم می-شکند و عادت ما را در یکسان نگریستن به هستی، تغییر می‌دهد. «شعرشناسی عمدتاً به این مسأله می‌پردازد که چه چیزی پیام کلامی را تبدیل به اثر هنری می‌کند.» (یاکوبسن، ۱۳۶۹: ۷۵) یا به تعبیر دیگر، منشأ ادبیت اثر کجاست؟ همین مسأله، تمرکز و تلاش ذهنی مخاطب را برای درک نویافته‌ها برمی‌انگیزد و او را به لذت کشف می‌رساند.

هنجار‌گریزی، گریز از قواعد حاکم بر زبان هنجار و عدم مطابقت و هماهنگی معانی با زبان متعارف است. اگرچه منظور از هنجار‌گریزی نمی‌تواند هرگونه گریز از قواعد زبان

هنجار باشد؛ زیرا بعضی از هنجار‌گزینی‌ها به ساخته‌نازیبایی منجر می‌شود که نمی‌توان آن‌ها را ابداع ادبی به حساب آورد. «لیچ معتقد است هنجار‌گزینی می‌تواند تنها تا بدان حد پیش برود که ایجاد ارتباط مختل نشود و برجسته‌سازی قابل‌تعبیر باشد.» (لیچ، ۱۳۶۸: ۴۲؛ به نقل از صفوی، ۱۳۸۳: ۱۳) شفیع‌ی کدکنی نیز بر این نکته تأکید دارد و معتقد است «هنجار‌گزینی می‌باید اصل رسانگی را مراعات کند.» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۳)

در ادبیات کهن و معاصر پارسی، گونه‌های مختلفی از آشنایی‌زدایی توسط شاعران بزرگ و صاحب‌سبک به کار گرفته شده است. «می‌توان ادعا کرد که بیشتر شاعرانی که توانسته‌اند مبدع‌جریانی نو در شعر فارسی باشند؛ از آشنایی‌زدایی بیشتری در شعرشان استفاده کرده‌اند.» (مدرسی، ۱۳۸۸: ۲۰۱) این رویکرد، شاعران را صاحب‌سبکی خاص می‌سازد و مقلدان را در جایگاهی پایین‌تر نگاه می‌دارد. شاعرانی چون فردوسی، مولانا، سعدی و حافظ با آشنایی‌زدایی از واژگان و نحو و معنا، به جایگاهی مهم در ادبیات دست یافتند.

آشنایی‌زدایی در هر دوره‌ای در ایران، پس از رکود ادبی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، موجب تقویت و حیات دوباره شده است. در ادبیات معاصر نیز تکاپوهایی برای عبور از هنجارهای زبان رخ داده است؛ در روزگار ما به‌ویژه بعد از تحوّل‌ی که نیمه در شعر فارسی ایجاد نمود، تلاش برای نوآوری در حیطه‌ی زبان، فراوان دیده می‌شود که بسیاری از آن‌ها به دلیل نگاه سطحی و فقدان شناخت، به خلق آثاری منجر شده که پایدار و تأثیرگذار نبوده‌اند. البته استفاده از هنجار‌گزینی‌ها در شعر برخی دیگر مانند شاملو، اخوان و شفیع‌ی و... بسیار پخته و مؤثر واقع شده که روند آشنایی‌زدایی در شعر معاصر را به‌خوبی ادامه داده است. (روحانی، ۱۳۸۸: ۶۸)

با توجه به مطالب فوق، یکی از انواع هنجار‌گزینی‌ها، هنجار‌گزینی دستوری است؛ هر شاعر ناگزیر است، برای آفرینش شعر، برخی قواعد دستوری را تغییر دهد یا از آن‌ها عدول نماید، اینجاست که هنجار‌گزینی دستوری رخ می‌دهد. نویسنده در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی کیفی - توصیفی بر آن است تا به بررسی هنجار‌گزینی دستوری، یعنی چگونگی تغییر بر اعمال زبان در شعر فرخی یزدی بپردازد و نقش پرکاربرد این برجسته‌سازی را در شعر وی تبیین کند و با تبیین نقش هنجار‌گزینی در شعر فرخی، شاخصه‌های ممتاز سبکی وی را مورد ارزیابی قرار دهد؛ از این رو با توجه به بسامد بالای مختصات دستوری در شعر فرخی به آوردن چند شاهد مثال اکتفا شده است.

۱.۱ پیشینه تحقیق

در رابطه با تبیین نقش هنجار‌گزینی در شعر معاصر آثاری نگاشته شده که به بررسی دقیق در آثار برخی از شاعران بزرگ معاصر مانند سپهری، شاملو و اخوان پرداخته‌اند. از جمله این آثار عبارت‌اند از:

فرزان سجودی (۱۳۷۶) به بررسی «هنجار‌گزینی در شعر سهراب سپهری» پرداخته، وی در قسمت نتیجه‌گیری خود، بسامد وقوع انواع هنجار‌گزینی در اشعار سهراب سپهری را به شرح زیر گزارش کرده است: هنجار‌گزینی معنایی، ۸۵٪ زمانی، ۹/۹٪ واژگانی، ۳/۱٪ آوایی، ۳٪ سبکی، ۷۴٪ نحوی، ۷۴٪ نوشتاری، صفر درصد، گویشی، صفر درصد.

آرزو رضایی (۱۳۷۶) به بررسی زبان‌شناختی «ویژگی‌های سبکی اشعار نیما یوشیج» با توجه به بسامد آماری گونه‌های هنجار‌گزینی بر اساس مکتب ساخت‌گرایی پرداخته؛ وی پس از بررسی هشت گونه هنجار‌گزینی در اشعار نیما، بسامد وقوع هنجار‌گزینی معنایی را بیش از سایر هنجار‌گرایی‌ها گزارش کرده است. هنجار‌گزینی زمانی، واژگانی، آوایی، سبکی، نحوی، نوشتاری و گویشی، به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

داوود علی‌نسب (۱۳۷۸) در فصل دوم رساله خود با عنوان «هنجار‌گزینی در شعر معاصر و اهمیت آن در آموزش شعر»، انواع هنجار‌گزینی را توضیح داده و برای روشن‌تر شدن مفهوم هنجار‌گزینی، نمونه‌هایی از شعر معاصر را برای هر یک ذکر کرده است. وی در نتیجه‌گیری خود، شناخت هنجار‌گزینی را مؤثر در درک ادبی و التذاذ هنری شعر می‌داند.

رحیم اهروانی سلماسی (۱۳۸۰) «به بررسی زبان‌شناختی ویژگی سبکی اشعار احمد شاملو با توجه به گونه‌های هنجار‌گزینی» پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در اشعار احمد شاملو، هنجار‌گزینی معنایی بیش از سایر هنجار‌گرایی‌ها است و هنجار‌گزینی زمانی در شعر شاملو در مقایسه با سایر اشعار شاعران معاصر، از بسامد قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

محمد رضا سنگری (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «هنجار‌گزینی و فراهنجاری در شعر» به توصیف انواع هنجار‌گزینی با ذکر مثال پرداخته است. وی تلاش برای شکافتن سقف ملکه عادت‌ها و «طبق معمول‌ها» و ایجاد فضاهای نو و راه‌های تازه در ادبیات را تحت

تبیین نقش هنجار‌گزینی در شعر فرخی یزدی ۵

عنوان هنجار‌گزینی یا حرکت فراهنجارها آورده است و معتقد است که گریز از هنجارها، اگر عالمانه، زیبا و هنجارمند اتفاق بیفتد، علاوه بر بالندگی و استمرار حیات شعر، به غنای زبان نیز کمک می‌کند.

زهره طاهر نژاد (۱۳۸۳) هنجار‌گزینی را به‌عنوان یکی از ابزارهای شعر آفرینی در شعر کودک می‌داند وی در بررسی «ابزارهای شعر آفرینی در شعر کودک»، هنجار‌گزینی معنایی را دارای بیشترین بسامد، ذکر کرده و علت کاربرد بسیار بالای آن را ملموس بودن و قابل دید بودن آن می‌داند.

شهاب گلشنی (۱۳۸۷) به بررسی «زیباشناسی شعر شفيعی کدکنی» پرداخته است. وی آرکائیسیم (هنجار‌گزینی زمانی) را در شعر شفيعی کدکنی، بررسی کرده و معتقد است که شفيعی، شاعر باستان‌گرا است که باستان‌گرایی وی، نشأت گرفته از آشنایی او با ادبیات کهن است.

مریم فلاحی (۱۳۸۷) هنجار‌گزینی را تحت دو عنوان کلی، هنجار‌گزینی در معنا و در لفظ، در آثار حمید مصدق، با عنوان «زیبایی‌شناسی اشعار حمید مصدق» بررسی کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هنجار‌گزینی معنایی دارای بسامد بالایی است و از بین هنجار‌گزینی‌های لفظی، هنجار‌گزینی زمانی، دارای بیشترین بسامد در آثار مصدق است.

زهره محمدی (۱۳۷۶) به «بررسی سبک‌شناسی اشعار فروغ فرخزاد» در چارچوب بسامد آماری هنجار‌گزینی بر مبنای ساخت‌گرایی پرداخته است. طبق بررسی وی، هنجار‌گزینی معنایی دارای بیش‌ترین بسامد است و هنجار‌گزینی‌های زمانی، سبکی و نحوی به ترتیب در جایگاه دوم، سوم و چهارم قرار دارند. اما در خصوص آشنایی‌زدایی و هنجار‌گزینی دستوری در شعر فرخی یزدی، تاکنون کار مستقل و مدوئی صورت نگرفته است.

۲. انواع هنجار‌گزینی دستوری در شعر فرخی

۱.۲ هنجار‌گزینی صرفی (واژگانی)

این نوع هنجار‌گزینی بر محور جانشینی کلام استوار است. شاعر با توانایی و استعدادی که دارد، واژگان و ترکیبات جدیدی را ابداع می‌نماید؛ واژه در شعر، نقش اساسی دارد.

یکی از شرایط مهم ارتباط با متن وابسته به شناختی است که خواننده نسبت به اجزا و سازه‌های کوچک‌تر متن از قبیل «واژه» دارد؛ زیرا واژگان اندوخته در ذهن شاعر است که هرکدام بر شیء یا مفهومی که شاعر نسبت به آن آشنایی دارد، دلالت می‌کند. (عمران پور، ۱۳۸۶: ۱۵۵)

توجهی که دانشمندان لغت‌شناس گذشته و زبان‌شناسان معاصر به «واژه» داشته‌اند حاکی از اهمیت آن است به گونه‌ای که «برخی از محققان زبان، واژه را واحد اندیشه می‌دانند» (لوریا، ۱۳۶۸: ۸۲).

واژه با داشتن دلالت‌های گوناگون معنایی که از طریق مجاز، استعاره، نماد و... پدید می‌آید، دارای توانایی‌های بالقوه‌ای است که زبان‌توانمند شاعر می‌تواند آن‌ها را در سرایش خود به کار بگیرد. واژه‌ها در پرده‌های پنهان خویش، انرژی‌های شگرفی را فرو فشرده‌اند. «شاعر توانا کسی است که بتواند با ترفندی شایسته هر چه بیشتر، این انرژی‌ها را آزاد و کلام خود را رستاخیزی کند.» (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

هنجار گریزی صرفی در شعر فرخی به صور مختلف صورت می‌پذیرد که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: ساخت واژگان جدید، کاربرد واژگان کهن و کاربرد واژگان محاوره‌ای و روزمره.

۱.۱.۲ ساخت واژگان تحت تأثیر ترجمه

امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل زبان فارسی ترجمه است. زبان فارسی معاصر، تحت تأثیر ترجمه‌های بد و ناقص قرار گرفته است که صدها اصطلاح ترجمه‌ای نامناسب حاصل آن است.

مسئله ترجمه و اخذ تعبیرات ترجمه‌ای و لغات بیگانه، خود زائیده برخورد زبان‌هاست و برخورد زبان‌ها با هم، حاصل برخورد فرهنگ با یکدیگر است و هیچ‌زبانی نیست که تحت تأثیر زبان و فرهنگ‌های دیگر قرار نگرفته باشد. حاصل جریان طبیعی برخورد فرهنگ‌ها و زبان‌ها، ورود لغات یک‌زبان و مسئله ترجمه است.

تأثیر ترجمه در لغات زبان به مراتب، بیشتر از تأثیر در ساختمان دستوری آن است؛ زیرا ساختمان دستوری، ستون فقرات زبان است و به سختی تغییر می‌کند. با این حال، ترجمه، گاهی در ساختمان دستور زبان نیز تأثیر می‌گذارد. این تأثیر یا به صورت ظهور عناصر و اشکال تازه دستوری است و یا به صورت ظهور عناصر و اشکال تازه

تبیین نقش هنجار‌گریزی در شعر فرخی بیزدی ۷

دستوری است و یا به شکل رواج صورت‌های نادر و کم‌استعمال زبان است.
(فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۳۴۳)

۲.۱.۲ ساخت عدد کسری عربی تحت تأثیر ترجمه

قبل از آشنایی با زبان‌های غربی، عددهای کسری از ترکیب یک عدد اصلی با «یک» ساخته می‌شد، مانند چهاریک، پنج یک، ... اما تحت تأثیر ترجمه، نوع تازه‌ای از عدد کسری وارد زبان ما شده است، مانند یک‌دوم، سه‌دهم، یک‌هفتم.

اکنون که ز رأی خوانده گردیده دو ثلث ناچار سه‌ربیع نامیدند همه
(فرخی، ۱۳۵۷: ۲۵۶)

دو ثلث به معنای دوسوم: two third

سه‌ربیع به معنای سه‌چهارم: three

۳.۱.۲ صفات دارای پیشوند نفی

برای ترجمه صفاتی که دارای پیشوند نفی هستند، کلمات «فاقد، ضد، خلاف» ترجمه anti به عنوان عنصر دستوری صفت‌ساز به وجود آمده‌اند. (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۳۵۴)

منصور که در عدلیه، قادر شده است دیر آمده زود از مصادر شده است
هشتاد و یک ابلاغ خلاف قانون از جانب آن جسور، صادر شده است
(فرخی: ۲۱۷)

از عدل اگر وکیل توصیف کند روزنامه‌نگار مدح و تعریف کند
زین پس به خلاف پیش‌تر جا دارد گر پارلمان ادای تکلیف کند
(همان: ۲۲)

۴.۱.۲ کاربرد واژگان جمع

در عصر مشروطه و در شعر فرخی، تحت تأثیر ترجمه، نوعی جمع وارد زبان فارسی شده است که «ات» عربی به آخر آن ملحق می‌شود. این شکل جمع برساخته فرخی نیست؛ بلکه توسط او به کار برده شده است.

واردات و صادرات ما تعادل چون نداشت

(فرخی: ۱۱۴) هرچه می‌خواهی در ایران فقر هست و پول نیست

واردات (e/f): export و صادرات (e/f): import

آن‌ان که به عدل و داد مفتون گشتند تسلیم مقررات قانون گشتند
(همان: ۲۲۶)

مقررات (f): Regulation

آن را که نفوذ و اقتدارت بود در دست، تمام اختیارات بود
از چیست، ندانست که بدبختی ما یکسر ز خرابی ادارات بود
(همان: ۲۳۵)

اقتدارات: powers

اختیارات: Authorities

ادارات: offices

۵.۱.۲ کاربرد واژگان کهن

کروچه (۱۳۸۱: ۴۸) بر آن است که «ساختمان اندیشه و ذهن انسان همواره نو می‌گردد؛ اما بنای پیشین، همواره بناهای بعدی را حفظ می‌کند و به گونه‌ای سحرآسا در آن‌ها باقی می‌ماند.» یکی از شگردها و شیوه‌های شاعرانه و به زبان دیگر گریز از هنجار، کاربرد واژه‌ها و یا ساخت‌هایی در شعر است که در زمان سرودن شعر، در زبان خودکار متداول نیست و واحدهایی به شمار می‌روند که در گذشته متداول بوده و سپس مرده‌اند. بدین نوع از هنجار گریزی، باستان‌گرایی گویند.

باستان‌گرایی که از مهم‌ترین شیوه‌های تشخیص بخشیدن به کلام است، هنجار گریزی زمانی نیز خوانده می‌شود؛ زیرا شاعر می‌تواند از گونه‌ی زمانی زبان هنجار بگریزد و صورتهایی را به کار ببرد که پیش‌تر در زبان، متداول بوده‌اند و امروز واژه‌ها و ساخته‌ای نحوی کهنه‌اند. (صفوی، ۱۳۷۳: ۵۴)

در شعر فرخی نیز استفاده از واژگان و نحو کهن دیده می‌شود.

از فرّ فقر دادیم، فرمان به باد و آتش اسباب آبرو شد، این خاکساری ما
(فرخی: ۷۹)

تبیین نقش هنجار‌گریزی در شعر فرخی بزدی ۹

فدای همت آن رهروم که بر سر خار هزار افسر گل با برهنه پای زد
(همان: ۱۳۲)

۶.۱.۲ کاربرد واژگان محاوره‌ای و روزمره

میان گونه نوشتاری معیار و گونه گفتاری از نظر گاه واژگان و نحو گفتار، تفاوت‌های روشنی دیده می‌شود. حوزه کاربرد آن‌ها نیز متفاوت است. اگر شاعر از گونه نوشتاری معیار به ساخت نحوه گفتار گریز زند، هنجار‌گریزی سبکی گویند.

ارزش هنجار‌گریزی سبکی از چند منظر قابل بررسی است: ۱. تغییر فضا در شعر؛ ۲. تغییر موسیقی شعر و ۳. ایجاد صمیمیت در فضای شعر. کوچک‌ترین بی‌دقتی در این زمینه یا شتاب‌زدگی و فقدان فضای مناسب در گریز از هنجار نوشتار به گفتار یا برعکس، به افول و نزول شعر می‌انجامد. (سنگری، ۱۳۸۱: ۶).

هنجار‌گریزی سبکی در شعر فرخی به چند شیوه، انجام می‌پذیرد. یکی از این روش‌ها، کاربرد واژگان محاوره‌ای و روزمره است که در سطح گسترده‌ای در شعر وی یافت می‌شود.

شاعران امروز با به‌کارگیری واژه‌هایی که تا پیش از دوره معاصر اجازه ورود به ساحت شعر را نداشتند و نیز با استفاده از واژه‌های تازه‌ای که در زبان روزمره امروز به کار می‌رود، در کنار واژه‌های گذشته، به گسترش و توسعه زبان شعر کمک می‌کنند (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

نمونه‌هایی از این گونه واژه‌ها:

از قوام و بستگانش دیپلم باید گرفت از قوام و بستگانش دیپلم باید گرفت
(فرخی: ۸۳)

در سیاست آنکه شاگرد است، طفل مکتبی را کی به استادی تواند خویش سازد اجنبی را
(همان: ۸۱)

۷.۱.۲ باستان‌گرایی در حرف

۱- استفاده از شکل مخفف «ار» به جای «اگر» از جمله مواردی است که در وطنیات این شاعر آمده است. این شیوه کاربرد، علاوه بر آرکائیسم در روانی زبان شعر نیز مؤثر است.

خواهی ار توضیح عالم ای رفیق هم وطن گوش بگشا و توضیحات آن بشنو زمن
(همان: ۲۶۹)

۲- کاربرد حرف اضافه «اندر» به جای «در»

حرف اضافه متروک «اندر» که امروزه به جای آن از «در» استفاده می‌شود یکی دیگر از مقاصد باستان‌گرایی فرخی است.

گاه اندر یزد با عنوان شور و انقلاب انجمن سوزیم و نندیشیم از این ارتکاب
(فرخی: ۲۶۹)

۲.۲ هنجار گریزی نحوی

اگر شاعر در هم‌نشینی تکواژها، اختلال آگاهانه ایجاد کند، به هنجار گریزی نحوی دست یازیده و این خود یکی از عوامل برجسته‌سازی است. به عبارت بهتر، «هنجار گریزی نحوی بدین صورت است که شاعر با جا به جایی ارکان جمله در شعر، از قواعد نحوی زبان عادی و معیار فراتر می‌رود.» (مظفری، ۱۳۹۲: ۵۸)

شفیعی کدکنی در این مورد عقیده دارد که «دشواری نوع آشنایی زدایی آن است که در قلمرو نحو، اتفاق افتد؛ زیرا امکانات نحوی هر زبانی و حوزه اختیار و انتخاب به یک حساب، محدودترین امکانات است. در هر صورت، بیشترین حوزه‌های تنوع جویی در همین حوزه است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۳۱)

۱.۲.۲ حذف فعل

این نوع حذف، بنا به ضرورت زبان شعری و ایجاز بیشتر انجام می‌شود. در این خصوص این نوع کاربرد به نمونه‌ای از هر یک از انواع حذف اشاره می‌شود.

- حذف به قرینه لفظی

حذف فعل در مصراع دوم با توجه به وجود قرینه در جمله بعدی، هم‌پایه بودن ساختار این دو جمله را نیز به خوبی نشان می‌دهد.

گر بگویی کس ندارد قصد ایران گویمت در سیاست راستی انصاف در پولتیک نیست
(فرخی: ۲۳)

- حذف به قرینه معنوی

حذف فعل در سه جمله اول بیت زیر به قرینه معنوی است که شاعر برای رعایت اختصار به کار برده است.

این وطن در حال نزع و خصم‌ش اندر پیش و پس

و چه حال نزع کاو را نیست بیش از یک هم نفس

(همان: ۲۷۰)

۲.۲.۲ فاصله افتادن بین اجزای فعل مرکب

فرخی فعل‌های مرکب را به صورت فاصله‌دار به کار برده است که دلیل آن ضرورت شعری و وزن عروضی است.

نام آزادی برای خویشتن سازند انحصار بازی این دل را حریفان با قشنگی می‌کنند

(فرخی: ۷۲)

در مصراع اول جزء دوم فعل مرکب بر جزء اول مقلّم شده و در مصراع دوم فعل «بازی می‌کنند» با فاصله آمده است.

۳.۲.۲ تقدیم فعل بر مفعول

در بیت زیر، مفعول در پایان جمله و بعد از فعل آمده است.

به هنگام سیه‌روزی علم کن قدّ مردی را

زخون سرخ‌فام خود بشوی این رنگ‌زردی را

نصیب مردم دانا به جز خونِ جگر نبود

در آن کشور که خلقش کرده عادت هرزه‌گردی را

(همان: ۱۱)

۴.۲.۲ تقدیم فعل بر مسند

گر کشته شدن باشد پاداش گنه‌کاری ای بس تن بدکاران کز دار نگون باید

(همان: ۴۸)

شاه و گدا، فقیر و غنی کیست آنکه نیست محتاج زرع زارع و مه‌مان کارگر
(همان: ۵۱)

۵.۲.۲ تقدیم فعل بر نهاد

حال ما یک چند دیگر گر بدین‌سان بگذرد بدتر از ماضی شود ایام استقبال ما
(همان: ۲۱)

زه‌ری که ز سرمایه به دم داشت توانگر در کام فقیران به دم بازپسین ریخت
(همان: ۲۸)

۶.۲.۲ قرار گرفتن فعل در ابتدای بیت

تقدیم فعل بر ارکان جمله در شعر فرخی، بیشترین تعداد را در میان انواع هنجار‌گریزی نحوی دارد.

کن نظام شهر را موقوف بهر امتحان تا بدانی این حقایق درخور تشکیک نیست
(همان: ۲۴)

می‌کند تهدید ما را این بنای ارتجاع منهدم این کاخ را از صدر تا دروازه باید
(همان: ۲۷)

۷.۲.۲ آمدن مصدر به جای فعل

با فکر نو موافق ناموس انقلاب باید زدن به دیر کهن کوس انقلاب
(فرخی: ۹۳)

۸.۲.۲ ساخت ویژه فعل‌های مرکب

گر که تأمین شود از دست غم آزادی ما می‌رود تا به فلک، هلهله شادی ما
(همان: ۸۱)

تا فرخی از سر غم عشق خبر شد رجحان دهد از هر خبری بی‌خبری را
(همان: ۸۹)

۹.۲.۲ فعل‌های غیر شخصی

بایدش سوخت به هر جمع سراپا چون شمع هر که از دست دهد شیوه خاموشی را

(همان: ۹۱)

در کف مردانگی شمشیر می‌باید گرفت حق خود را از دهان شیر می‌باید گرفت

(همان: ۹۳)

۱۰.۲.۲ رقص ضمیر

یکی دیگر از موارد برجسته‌سازی و ناآشنا ساختن کلام شاعر، کاربرد ضمیر در غیر از جایگاه اصلی خود می‌باشد. ضمائر پیوسته در زبان معیار به طور معمول در حال مفعولی پیوسته به فعل و در حالت مضاف‌البهی پیوسته به اسم و در صورتی که نقش متممی داشته باشند بعد از حروف اضافه قرار می‌گیرد؛ اما «در زبان ادبی بنا به ضرورت وزن یا به منظور زیباسازی و تأکید بر قسمتی از جمله، شاعر یا نویسنده دست به جابه‌جایی ضمیر پیوسته می‌زند. این جریان تحت عنوان «پرش، جهش، حرکت و رقص ضمیر» در کتب دستور مطرح شده است.» (مدرسی، ۱۳۸۸: ۱۵۰) فرخی یزدی نیز از چنین شیوه‌ای در اشعار خود بهره گرفته است؛ مانند نمونه‌های زیر:

- افزودن ضمیر به قید

سوختم از دست غم پا تا به سر در راه عشق چند گویم آن‌چنان یا این چنینم کرده‌اند

(فرخی: ۱۰۲)

گنج عزت گنج عزلت بود آن را دل چو یافت دیگرش از بی‌نیازی حاجت گنجینه نیست

(همان: ۱۱۲)

- افزودن ضمیر پیوسته به ضمیر جدا

دیده‌ام را تا قیامت روز و شب بیدار دارد وعده وصلی که از شوخی توام در خواب دادی

(فرخی: ۱۷۹)

به جز این مرا نماند پس مرگ سرگذشتی که منت ز سر گذشتم چو توام به سر گذشتی

(همان: ۱۷۸)

- اتصال ضمیر به حرف ربط و حرف اضافه

اگرش جنون ناقص نگرفته بود دامن ز چه فرق داد مجنون به میان شهر و دشتی
(همان: ۱۷۸)

گوشه‌گیری اگرم از اثر اندازد به که من از راه خطا صاحب تأثیر شوم
(همان: ۱۶۸)

- افزودن ضمیر به دیگر اجزای جمله

گوش تا گوش جهان گر شودم زیر نگین چشم بر گوشه آن چشم خراب است مرا
(همان: ۸۹)

پیش از این‌ها در مسلمانی خدایی داشتم بت پرستم آن نگار نامسلمان کرد و رفت
(همان: ۹۴)

- اضافه کردن ضمیر متصل به منفصل

یکی از موارد کاربرد ضمیر پیوسته، اضافه کردن آن به آخر اسم می‌باشد که در قدیم به جای اسم، آن را به آخر ضمائر منفصل اضافه می‌کردند مانند «منش دامن گرفته»

آنکه روزی به سرکوی تواش پای رسید

ریخت خون آن‌قدر از دیده که دست از جان شُست

(همان: ۳۶)

دیده‌ام را تا قیامت روز و شب بیدار دارد وعده وصلی که از شوخی توام در خواب دادی
(همان: ۱۰۱)

۱۱.۲.۲ افزوده شدن «ی» نکره به یک

«گاهی به جای «یای» نکره در آخر اسم یا صفت، کلمه یکی، پیش از اسم می‌آید: یک+ی+
اسم یا صفت» (ناتل خانلری، ۱۳۶۶: ۱۷۳).

هر روز یکی خواجه فرمانده ما گشت یک بنده در این خانه دو صد خانه خدا داشت
(فرخی: ۱۰۸)

۳.۲ باستان‌گرایی نحوی

۱.۳.۲ باستان‌گرایی در فعل

با توجه به اینکه شاعر به ذکر افتخارات دوران ایران باستان برای زنده کردن غرور ملی و افزایش حس اعتماد به نفس از خود‌گرایی نشان می‌دهد، روی آوردن به اساطیر ایرانی، استفاده از صورت‌های کهن فعل را نیز مناسب کلام، اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ لذا وی در کنار اشاره به گذشته درخشان ایران از کاربرد افعال و واژگان متروک نیز سود می‌برد و با این کار ساختار شعر خود را متناسب با بافت موقعیتی سخن خویش می‌کند.

۱- استفاده از فعل بود

کاربرد این فعل در ساختار جمله، برای نشان دادن استمرار تقدس خاک وطن و همین‌طور برای نفرت از خائنین نسبت به وطن در طول تاریخ، مناسبت خاصی دارد و در القای مطلب مؤثر است.

ای خاک مقدس که بود نام تو ایران فاسد بود آن خون که به راه تو نریزد
(فرخی: ۵۸)

۲- آوردن پیش‌جزء «ب» در اول فعل ماضی

شاعر در مخمس مستزاد وطنی خود به ضرورت وزن هم از ضرورت امروزی و هم از صورت قدیمی فعل ماضی استفاده کرده است.

پابره‌نه ره دشت و دره را بریدم دست غم بگریدم
حالت ملت عثمانی و ژرمن دیدم خوب و بد بشنیدم

(همان: ۲۷۲)

۳- استفاده از «همی» در ابتدای فعل ماضی

در بیت زیر، کاربرد فعل «داد» همراه با «همی» در اول آن نشان از دوران باشکوه ایران در طول تاریخ دارد که همواره در اوج شکوه و اقتدار بوده است. این ویژگی با همراهی پیش‌جزء فعل با زمان فعل ماضی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری ساختار منسجم فراهم و استواری شکوه و عظمت ایران را تداعی می‌کند.

چه شد ملتی را که یزدان ز قدرت همی داد بر اهل عالم فزونی

(همان: ۲۶)

۴- کاربرد «ی» در آخر فعل ماضی

این نوع کاربرد نیز یکی از صورت‌های گرایش به استفاده از صورت‌های متروک فعل به شمار می‌رود.

ای خوش آن روزی که ایران بود چون خلدبرین

وسعت این خاک پاک از روم بودی تا به چین

(همان: ۲۶۸)

۵- تبدیل مصوت «(o)» به مصوت او «(ī)»

کاربرد صفت مفعولی «افتاده» به صورت «اوفتاده» یکی دیگر از شگردهای شاعر در هماهنگ‌سازی شعر با بافت آن است.

نه چشمی که بینم خوار اوفتاده درفش کیان از کیان در نگونی

(فرخی: ۲۶)

۶- کاربرد فعل‌های کهن

استفاده از افعال متروک و کم‌کاربرد از جمله راه‌های باستان‌گرایی فرخی است. در بیت زیر شاعر فعل «خستن» را به همین منظور در ساختار شعر خویش گنجانده است.

پیش اهل دل از این پس از مفاخرم همین بس

کز برای راحت خویش، خاطر کسی نخستم

(همان: ۱۲۳)

۷- کاربرد فعل امر بدون «ب» آغازی

در این نمونه و نیز در مثال بعدی، شاعر به ضرورت وزن و متناسب با موضوع شعر از صورت‌هایی که بیشتر در گذشته رایج بوده استفاده کرده است.

عید جم شد ای فریدون خو، بت ایران‌پرست

مستبدی، خوی ضحاک‌ی است، این خو، نه ز دست

(همان: ۲۶۷)

۸- تسکین فعل

این همه بی‌همتی نبود جز از اهل نفاق چاره این درد بی‌چاره است علم و اتفاق
(همان: ۲۶۹)

۲.۳.۲ ساخت فعل‌های دعایی به شیوه کهن

فعل دعا، امروز به صیغه‌های مضارع التزامی و یا امر ادا می‌شود در گذشته در صیغه سوم شخص مفرد قبل از شناسه، مصوت بلند (ā) افزوده‌اند و گاهی حرف «ب» از ابتدای آن حذف می‌شده است.

در شعر فرخی فعل دعایی به شیوه گذشته به کار رفته است. جز پیشین «ب» یا «م» + بن مضارع + مصوت بلند «ا» + شناسه.

در عوض حبس گر بُری سرم از تیغ پای تو بوسم به مزد دست‌م‌ریزاد
(همان: ۲۰۳)

به کنج دل ز غم دوست گنج‌ها داریم تهی مباد از این گنج‌ها خزانه ما
(فرخی: ۸۷)

۳.۳.۲ کاربرد فعل‌های پیشوندی به سبک گذشته

در فعل‌های پیشوندی، عنصری غیر فعلی وجود دارد که به آن پیشوند گویند. فعل‌های پیشوندی یکی از انواع مهم و رایج فعل در زبان فارسی دری به‌خصوص دورهٔ تکوین (قرن چهارم تا هفتم) بوده‌اند. بعد از آن فعل پیشوندی در جریان حیات خود حرکتی رو به کاهش داشته است؛ اما شاعران مشروطه به‌ویژه فرخی یزدی از این افعال در اشعار خود استفاده کرده است.

به هر جا دکان بود بریسته شد پراکنده در رهگذر دسته شد
(فرخی: ۲۸۹)

برای تسلی دهان برگشود بر ایشان بسی مهربانی نمود
ز دل برکشیدند یک‌سر خروش چو تجار، این نطق کردند گوش
(همان: ۲۸۹)

۴.۳.۲ جابه‌جایی «می» و «ن» نفی در فعل

تو مست خواب غفلت، ای پادشاه حسن می‌نشونوی خروش دل دادخواه را
(فرخی: ۸۸)

در موقع سخت می‌نبايد شد سست کز عزم شکسته را توان کرد درست
(فرخی: ۲۱۸)

۵.۳.۲ مطابقت صفت و موصوف

در زبان عربی، صفت با موصوف خود مطابقت دارد؛ یعنی هرگاه موصوف مؤنث یا جمع غیر عاقل باشد، صفت آن «تا»ی تأنیث می‌گیرد. این «ه» در زبان فارسی به صورت «ه» غیرملفوظ به صفت افزوده می‌شود. در اشعار فرخی تنها در یک بیت این مطابقت دیده می‌شود.

خوب است خطای بدکاران در محکمه صالحه اثبات کنند
(فرخی: ۱۸)

۶.۳.۲ صفت، مصدر و فعل‌های جعلی

در زبان فارسی، مصدر از ترکیب بن ماضی با حرف «ن» ساخته می‌شود، فرخی، در بیت زیر، مصدر جعلی کاهیدن را به کار برده که به اشتباه از بن مضارع «گاه» ساخته شده است که به جای فعل کاست به کار برده است و اضافه کردن «یت» مصدر ساز عربی به کلمات فارسی، صحیح نمی‌باشد. واژه «خر» فارسی است و افزودن «یت»، بر سر آن، نادرست است.

رای خود را ز خریت به پشیزی بفروخت

بس که این گاو و خر از قیمت خود بی‌خبر است

(همان: ۱۰۱)

زندگی از قدر من کاهید، قدرم کس نداند دانی آن وقتی که در عالم نبیند کس نظیرم
(فرخی: ۲۶۸)

۷.۳.۲ کاربرد ترکیب وصفی مقلوب

توضیح: قاعده ساخت ترکیب وصفی «موصوف + صفت بیانی» است. حال اگر جای این دو عوض شود، ترکیب وصفی مقلوب به دست می‌آید.

گر تو را تعمیر این ویران عمارت لازم است باید از بهر مصالح آوری معمار خوب
(فرخی: ۹۱)

کیستی ای نوگل خندان که در باغ بهشت بلبل شوریده دل هر سو هزار آید تو را
(همان: ۸۰)

۸.۳.۲ آمدن صفت شمارشی بدون موصوف (اسم)

یک عمر چو باد دور دنیا گشتیم چون موج هزار زیر و بالا گشتیم
(فرخی: ۱۰۰)

در مصراع دوم بعد از صفت شمارشی «هزار» موصوف (اسم) حذف شده است. می‌توان به جای موصوف، یکی از واژه‌های «بار، دفعه، مرتبه و ...» را قرارداد. «چو موج هزار (بار، دفعه و ...) زیر و بالا گشتیم».

۴.۲ هنجار‌گزینی آوایی

۱.۴.۲ باستان‌گرایی در واژگان

۱-تخفیف واژه

شاعر به ضرورت زبان شعری و رعایت خوش‌آهنگی کلمات از واژه‌های مخفف، استفاده کرده است. همچنین در نمونه بعدی، واج ساکن را به صورت مشدد آورده است.
حاليا گر بیند ایران را چنین بهرام گور از خجالت تا قیامت سر برون نارد زگور
(فرخی: ۲۷۴)

۲- تشدید ساکن

گنج بادآور کجا شد، زر دست افشار کو صولت خصم افکن نادر شه افشار کو
(همان: ۲۶۸)

۳- کاربرد واژگان عامیانه

شاعر برای توصیف و مقایسه افراد عالم و جاهل و سود و زیان‌های هر یک به وطن، با توسل به کلمات عامیانه، مطلب مورد نظر خود را به صورت عینی و ملموس بیان می‌کند و بدین طریق، زبان شعری خود را به زبان عامیانه نزدیک می‌کند.

خواهی از توضیح عالم ای رفیق هم‌وطن گوش بگشا و توضیحات آن بشنو زمن
تا نگوئی علم باشد منحصر در لا و لن یک فلزی کان مساوی هست در قدر و ثمن
عالم آن را موزر و توپ و مسلسل می‌کند جاهل آن را صرف خاک‌انداز و منقل می‌کند
(فرخی: ۲۶۹)

۴- کاربرد اصطلاحات عامیانه

اصطلاح عامیانه «کاسه گرم‌تر از آتش» از جمله کاربردهایی است که شاعر با اشاره به نصرت الدوله و مذاکرات او با لرد کرزن برای روشنگری و تبیین اهداف شوم بیگانگان و اشتیاق خائنین به وطن برای دادن امتیاز به بیگانه به صورت مؤثر از اصطلاح عامیانه، استفاده کرده است و ضمن برجسته‌سازی، با ایجاد تجسم، باعث درنگ خواننده و توجه وی به عمق مطلب شده است.

از لویید جرج بیشتر اصرار دارد این گرگ بچه فاش ببین
تا وطن را به انگلیس بدهد کاسه گرم‌تر از آتش ببین
(همان: ۲۶۹)

۲.۴.۲ حرف اضافه «را»

در قدیم در متمم‌های قیدی گاهی به جای حرف اضافه پیشین، از حرف اضافه پسین «را» استفاده می‌کردند. (فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۲۱۹) که با توجه به وضعیت جمله به معنای «برای»، از و کسره اضافه، به و با می‌باشد.

با مشت باز حمله مکن، باز لب ببند گنجشک را تحمل چنگال باز نیست
(فرخی: ۳۴)

نیست حق زندگی آن قوم را کز بی‌حسی مردگان زنده بلکه زندگان مرده‌اند
(همان: ۳۵)

۳.۴.۲ حذف نشانه مفعولی «را»

زبس که خون به دلم کرده دست ساقی دهر مدام خون، عوض باده در پیاله کنم

(همان: ۱۱۱)

یعنی «خون را».

ریز بر خاک فنا، ای خضر، آب زندگی من ندارم چون تو این اندازه تاب زندگی

(فرخی: ۱۵۲)

یعنی «آب زندگی را، تاب زندگی را»

۴.۴.۲ کاربرد واو معدوله

بهر تسخیر، ادا می‌کند این شیخ ریا آنچه در قاعده سیبوی و اخفش نیست

همه از کثرت بدبختی خود می‌نالند گویا در همه آفاق کسی دل خوش نیست

(فرخی: ۷۴)

۵.۴.۲ ضعف تألیف

«تألیف، همان چیدن واژه‌ها در کنار هم بر اساس قواعد دستوری است؛ اگر این قواعد در اثر به‌خوبی رعایت شود، اصطلاحاً می‌گوییم «حُسن تألیف» دارد و به‌عکس اگر مشکلات دستوری در اثر راه یافته، قواعد زبان در آن رعایت نشده باشد، اصطلاحاً می‌گوییم «ضعف تألیف» دارد. ترکیب کلمات با هم و ساخت عبارات و جملات نباید مغشوش و سست باشد. مخصوصاً اجزاء کلام باید در جای خود قرار داشته باشند تا معنی به‌روشنی منتقل شود.» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۶) در بیت زیر به جای متعادل کردن، از واژه تعادل کردن، استفاده نموده که خالی از اشکال نیست.

ناجی ایران بود آن‌کس که در این گیرودار خوب میزان سیاست را تعادل می‌کند

(فرخی: ۶۹)

در بیت بعد نیز با جابجایی ارکان جمله، فهم معنای عبارت را کمی دشوار ساخته است.

زورمندان را طبیعت کرده غارت پیشه خلق آفتاب از این سبب تاراج شب‌نم می‌کند

(همان: ۹۱)

در این بیت نیز با فاصله افتادن بین ارکان فعل مرکب، ساختار جمله دارای اشکال است.

۶.۴.۲ کاربرد «برله»

«در زبان عربی ترکیب جار و مجرور «علیه» با معنای «بر او، بر آن، برضد او و ضد آن» برابر است. ترکیب «له» نیز به معنای «به او، به آن، برای او و برای آن» می‌باشد. پس نباید پیشوند «بر» را به آن دو اضافه کرد؛ چرا که تکراری بی‌مورد می‌شود.» (نجفی، ۱۳۸۹: ۲۱۱)

در اشعار فرخی، تنها در یک بیت این اصل رعایت نشده و واژه «برله» آمده است که به‌نوعی حشو و زائد محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد، این مورد نیز به ضرورت وزن شعری بوده است.

حکمی که بود برله یک‌مشت ضعیف تا دست قوی، قوی است اجرا نشود
(فرخی: ۶۹)

۷.۴.۲ حذف کسره اضافه در کلمات مختوم به «ه»، غیرملفوظ و افزودن «ی» میانجی در آخر آن

این مورد در اشعار فرخی از بسامد بالایی برخوردار است تا آنجا که در میان هنجارگریزی-های آوایی در درجه اول قرار دارد.

هزار بار بود به زصبح استبداد برای دسته پابسته، شام آزادی
(فرخی: ۱۵)

دیدى که باغبان جفاییشه عاقبت بر باد آشیانه چندین هزار داد
(همان: ۲۰)

ای دوده تهمورس، دل یکدله باید کرد یک سلسله دیوان را در سلسله باید کرد
(همان: ۲۵)

۳. نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های نوآوری شاعران در کلام، هنجارگریزی است. فرخی یزدی، یکی از شاعران عصر مشروطه است که انواع هنجارگریزی در شعر او دیده می‌شود. در این پژوهش به

تبیین نقش هنجار‌گریزی در شعر فرخی پرداخته‌شده و تلاش گردیده است، عناصری را که در ایجاد هنجار‌گریزی دستوری در شعر وی مؤثر بوده‌اند، مشخص نماید.

در شعر فرخی نمونه‌های فراوانی از هنجار‌گریزی دستوری چه در سطح نحو و چه در سطح صرف (واژگان) دیده می‌شود. در سطح نحو، نمونه‌های زیادی از گریز از هنجارهای دستوری دیده می‌شود که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: جابه‌جایی ارکان جمله، جابه‌جایی ارکان فعل مرکب، حذف، رقص ضمیر، جمع بستن‌های غیرمتعارف، کاربرد اضافه گسسته، ساخت‌های جدید وصفی و باستان‌گرایی نحوی. در سطح صرف نیز، این هنجار‌گریزی با روش‌هایی چون ساخت واژگان جدید، کاربرد واژگان کهن، امروزی شکل گرفته است و بدین دلیل واژگان به کار گرفته شده توسط فرخی از گستردگی زیادی برخوردار است.

پی‌نوشت

f. ۱ فرانسه، e انگلیسی

کتاب‌نامه

- احمدی، بابک (۱۳۷۰)، *ساختار و تأویل متن*، جلد ۱، چ سوم، تهران، مرکز.
- _____ (۱۳۷۷)، *آفرینش و آزادی*، چ پنجم، تهران، نشر مرکز.
- اهروانی سلماسی، رحیم (۱۳۸۰)، *بررسی زبان‌شناختی ویژگی سبکی اشعار احمد شاملو با توجه به گونه‌های هنجار‌گریزی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- بارت، رولان (۱۳۸۳)، *از اثر به متن*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، اسلامی.
- حسنلی، کاووس (۱۳۸۳)، *گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران*، تهران، ثالث.
- رضایی، آرزو (۱۳۷۶)، *بررسی زبان‌شناختی ویژگی‌های سبکی اشعار نیما یوشیج با توجه به بسامد آماری گونه‌های هنجار‌گریزی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- روحانی، مسعود، محمد عنایتی (۱۳۸۸)، «*بررسی هنجار‌گریزی در شعر شفیعی کدکنی*»، گوهر گویا، شماره ۳، صص ۶۳-۹۰.
- سجودی، فرزاد (۱۳۷۶)، «*هنجار‌گریزی در شعر سهراب*»، کیهان فرهنگی، ش ۱۴۲، صص ۲۱-۲۲.
- سلدن، رامان (۱۳۷۲)، *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.

- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۱)، *هنجار‌گزینی و فراهنجاری در شعر*، مجله رشد آموزش زبان و ادب پارسی، شماره ۶۴، صص ۴۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، *موسیقی شعر*، چ هفتم، تهران، آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹)، *معانی و بیان*، چ ششم، تهران، فردوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، *نقد ادبی*، چ سوم، تهران، فردوس.
- صفوی، کورش (۱۳۸۳)، *از زبان‌شناسی به ادبیات*، ج ۱ (نظم)، تهران، چشمه.
- طاهر نژاد، زهرا (۱۳۸۳)، *ابزارهای شعر آفرینی در شعر کودک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- علی نسب، داوود (۱۳۷۸)، *هنجار‌گزینی در شعر معاصر و اهمیت آن در آموزش شعر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: علامه طباطبایی.
- عمران پور، محمدرضا (۱۳۸۶)، «*اهمیت عناصر و ویژگی‌های ساختاری واژه در گزینش واژگان شعر*»، نشریه گوهر گویا، سال اول، ش ۱، صص ۱۵۳-۱۸۰.
- فرخی یزدی (۱۳۵۷)، *دیوان*، تصحیح حسین مکی، چ هشتم، تهران، امیرکبیر.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۰)، *گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی*، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.
- فلاحی، مریم (۱۳۸۷)، *زیبایی‌شناسی اشعار حمید مصداق*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- کروچه، بندتو (۱۳۸۱)، *کلیات زیبایی‌شناسی*، ترجمه فؤاد روحانی، چ پنجم، تهران، علمی و فرهنگی.
- گلشنی، شهاب (۱۳۸۷)، *زیبایی‌شناسی شعر شفاهی کدکنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دزفول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول.
- لوریا، الکساندر (۱۳۶۸)، *زبان‌شناخت*، ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده، ارومیه، چاپ انزلی.
- محمدی، زهرا (۱۳۷۶)، *بررسی سبک‌شناسی اشعار فروغ فرخزاد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- مدرسی، فاطمه؛ احمدوند، حسن (۱۳۸۸)، «*آشنایی زدایی و هنجار‌گزینی در اشعار نیمایی اخوان ثالث*»، مجله علامه، ش ۱۳، صص ۱۹۹-۲۲۸.
- مظفری، سولماز (۱۳۹۲)، «*واکاوی هنجار‌گزینی در دستور زبان عشق*»، فصلنامه رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، ش ۴۴، صص ۴۹-۵۸.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶)، *تاریخ زبان فارسی*، ج ۲، چ پنجم، تهران، سیم‌غ.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۹)، *غلط‌نویسیم*، چ چهاردهم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- یاکوبسن، رومن و دیگران (۱۳۶۹)، *زبان‌شناسی و نقد ادبی*، ترجمه مریم خوزان، حسین پاینده، تهران، نی.